

دوفصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال هشتم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۸۹-۱۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۹۱/۰۴/۰۵

بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر کیفیت زندگی (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر پیرانشهر)

محسن نیازی^۱
حسن منتظری خوش^۲
موسی سعادت^۳
ساجده اسلامی^۴

چکیده

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع کاربردی- توسعه‌ای و مطالعه‌ای کمی- کیفی است. از نظر هدف کاربردی بوده و از نظر ماهیت و روش، توصیفی- تحلیلی می‌باشد. از دو روش ترکیبی کمی و کیفی، استفاده شده است که در روش کیفی از تئوری بنیادی و در روش کمی از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری شامل افراد باسواد و مطلع محلی ساکن در دهستان سینا واقع در شهرستان ورزقان است که حجم نمونه آن با استفاده از فرمول کوکران با فاصله اطمینان ۰/۹۵ برابر ۳۰۰ نفر به دست آمده و شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده است. در مرحله اول، مصاحبه‌های عمیق و ژرفانگر از افراد محلی مؤید این نکته هستند که تغییر سبک زندگی پیامدهایی همچون تغییر در هویت فردی، اجتماعی و دینی داشته است و با تغییرات سبک زندگی، هویت افراد محلی نیز تغییر کرده است. در قسمت دوم، مطالعه‌ای کمی با استفاده از مدل معادلات ساختاری با نرم‌افزار EQS جهت تکمیل بحث انجام گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق کمی، نشان از نیکویی برآزش و سازگاری و توافق مطلوب مدل با داده‌های تجربی داشته و نتایج حاصل از تحقیق رگرسیونی نیز معنادار بودن رابطه را اثبات و اولویت اثرگذاری هر یک از متغیرها را نشان می‌دهد. هویت فردی با ضریب بتای ۰/۴۸۰، هویت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۱۹۰، هویت دینی با ضریب بتای ۰/۱۳۳، به ترتیب بر متغیر سبک زندگی تأثیرگذار بوده‌اند که این امر نشان‌دهنده آن است که تغییر سبک زندگی تغییر هویت جامعه روستایی را به دنبال دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، هویت، تئوری بنیادی، معادلات ساختاری، ورزقان.

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) (niazim@kashanu.ac.ir)

۲. دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان (hassanmontazery@gmail.com)

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (m.saadati@soc.ikiu.ac.ir)

۴. دانش‌آموخته کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

(sajedesllami@gmail.com)



(Case Study: Women Heads of Households under the Auspices of Imam Khomeini Relief Committee in Piranshahr)

Mohsen Niazi¹

Hassan Montazery khosh²

Mousa Saadati³

Sajedeh Eslami⁴

Abstract

Today women are considered as a specific group in family and society. Accepting that women are active and stimulus can influence their participation in decisions. The goal of this study was to investigate the sociological factors affecting the quality of life of women heads of households under the auspices of the Imam Khomeini Relief Committee in Piranshahr. The research method of the present study is survey. The statistical population includes all female-headed households under the auspices of the Imam Khomeini Relief Committee in Piranshahr, of which 265 people were selected using the Morgan table as the sample size. The data collection tool is a questionnaire and to estimate its validity and reliability, face validity and Cronbach's alpha coefficient have been used, respectively. The results showed that the correlation between the independent variables of the study including social status, social exclusion, social attitude, social capital and social support with the quality of life of women heads of households at a significance level less than 0.01 is confirmed. The results of regression analysis also indicate

1. Professor of social science in university of Kashan.Email:niazim@kashanu.ac.ir

2. PhD of the sociology of social problem in university of kashan.Email:hassanmontazery@gmail.com

3. Assistant Professor of Sociology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

4. Graduated in Sociology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran



that effective and significant variables in the regression model have explained a total of 46.5% of the changes in the quality of life of women heads of households.

Key words: Life Quality, Social Capital, Social Exclusion, Social Attitude, Women Supervising Family

مقدمه

کیفیت زندگی به نوعی بیان گر وضعیت افراد ساکن در یک کشور یا منطقه می باشد و این اصطلاح برای ارزیابی نیک بود عمومی افراد و جوامع و طیف وسیعی از زمینه ها از جمله حوزه های توسعه ی بین الملل، بهداشت و سیاست مورد استفاده قرار میگیرد کیفیت زندگی نباید با مفهوم استاندارد زندگی عمدتاً بر درآمد استوار است اشتباه گرفته میشود در میان اکثر جوامع انسانی، پدر به عنوان اصلی ترین و محوری ترین عضو خانواده مسئولیت سرپرستی و مدیریت خانواده را بر عهده دارد. به همین سبب، پدیده بی سرپرستی در اغلب تعاریف به عنوان فقدان پدر در خانواده تعریف می شود و عینیت وی در مسائل اقتصادی و مدیریت خانواده مؤثر است. از سوی دیگر، زن در قوانین و مقررات حقوقی ایران وظیفه ای در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ندارد (بلداجی، ۱۳۸۹: ۱۰). امروزه ساختار خانواده تنها شامل زوج هایی با فرزند نمی باشد، بلکه خانوارهای بی شماری وجود دارند که توسط زنان سرپرستی می شوند. بیشتر تحقیقات بر روی ساختار خانوارهای دو والدینی تمرکز کرده اند و تحقیقات اندکی در باره خانوارهای تک والدینی (بخصوص زنان سرپرست خانوار) انجام شده است. بنابراین، این نوع خانوارها برای مطالعه ارزشمند هستند (معیدفر، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

در واقع زنان سرپرست خانوار به دلایل متعددی در جامعه فشارهای زیادی را تحمل می کنند، این فشارها بر کارکرد اجتماعی و اقتصادی آنها نیز تأثیر می گذارد. بنابراین با افت کیفیت زندگی و رضایت از آن مواجهه می شوند. مشکلات بی سرپرستی زنان باعث ایجاد انواع اختلالات روانی و رفتاری از جمله اختلالاتی نظیر پرخاشگری و ناسازگاری با محیط و خانواده و فرزندان، بزهکاری و روسپیگری و اعتیاد و افسردگی و سرانجام ناتوانایی آنها در اداره زندگی می شود. با توجه به آمار ثبت شده از منابع رسمی، زنان سرپرست خانوار در جهان ۹/۴۲ درصد کل خانوارها را تشکیل می دهند (بختیاری و محبی، ۱۳۸۲: ۷۶). همچنین، مطالعات آماری حاکی از رشد خانوارهایی است که بوسیله زنان اداره می شوند. در اروپا درصد وجود این نوع خانواده ها از ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. در ایران نیز آمار نشان می دهد که تعداد این زنان از ۸۰۰ هزار خانوار در سال ۱۳۵۵ به یک میلیون و ۳۷ هزار خانواده در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲: ۴۲). این تعداد در سال ۱۳۸۵ به ۱/۶۴ میلیون نفر رسیده که رشد بسیار چشمگیری است. آمار کمیته امداد نیز نشان می دهد که تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش از ۲۷ هزار و ۷۶ نفر در سال ۱۳۷۷ به ۴۰ هزار و ۶۳۰ نفر در سال ۱۳۸۶



افزایش یافته است (دغاقله و کلهر، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

آمارهای فوق حکایت از افزایش درصد و نسبت خانواده هایی با سرپرستی زن دارد که احتمال تشدید آسیب های مرتبط با این موضوع را نیز در سطح جامعه افزایش می دهد. از سوی دیگر، یافته ها نشان می دهند که همواره سهم فقر زنان سرپرست خانوار بیشتر از مردان سرپرست خانوار بوده است و زن بودن احتمال قرار گرفتن در دایره فقر را افزایش می دهد. اعلام زنان سرپرست خانوار به عنوان فقیرترین فقرا در اغلب نوشته های توسعه به چشم می خورد که دلایل و عوامل بسیاری برای این موضوع نیز بر شمرده شده است. زنان معمولاً به دلیل ویژگی های موجود در عرصه کار و اشتغال و محدودیت حمایت و شبکه روابط اجتماعی بیش از مردان در معرض خطر فقر قرار می گیرند (شادی طلب و گرائی نژاد، ۱۳۸۳: ۶۸). کیفیت زندگی و عوامل مرتبط به آن نقش مهمی را می تواند در زندگی فرد به جای گذارد. یکی از این عوامل نگرش اجتماعی است این نگرش، به این معنی است که افراد جامعه چه دیدگاهی به یک پدیده دارند و براساس دیدگاه آن ها نگرش مثبت و منفی بوجود می آید. طرد اجتماعی به عنوان عامل دیگر روندی است که افراد گروه های اجتماعی مشخص از جامعه طرد و دچار انزوا می شوند و از کیفیت زندگی پایینی برخوردار می گردند. سرمایه اجتماعی هم یک عامل موثر بر کیفیت زندگی افراد است که نبود آن آسیب هایی برای زندگی فرد در پی خواهد داشت. حمایت اجتماعی هم به عنوان عامل مؤثر دیگری بر کیفیت زندگی نقش بسزایی دارد و با حمایت اجتماعی که فرد دریافت می دارد می تواند در مقابل مسائل به نحو بهتری عمل نماید. در این راستا، پژوهش حاضر نیز در صدد پاسخگویی به این سوالات است: کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی در چه حدی است؟؛ کدام عوامل جامعه شناختی بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی تأثیر دارد؟؛ و در مجموع با توجه به نتایج تحقیق، چه راهکارهایی را می توان جهت بهبود زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی ارائه نمود؟

مبانی نظری

در این بخش، ابتدا مفهوم کیفیت زندگی و رویکردهای نظری مربوط به آن ارایه گردیده است. پس از آن، مفاهیم نگرش اجتماعی به زنان سرپرست خانوار، طرد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق تشریح گردیده است.

کیفیت زندگی: بر اساس دیدگاه بالدوین^۱ (۱۹۹۴)، سازه کیفیت زندگی تا اندازه ای مبهم است (بالدوین، ۱۹۹۴). از نظر باند و کرومر، تعریف کیفیت زندگی باید جامع و شامل عوامل و جنبه های مختلف از جمله عوامل فیزیکی، ساختمانی، جسمانی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین برداشت ها و تجربیات ذهنی افراد از مفهوم کیفیت زندگی باشد. (باند و کرومر، ۲۰۰۴، نقل از قاسم زاده، ۱۳۸۴). تحقیقات جامعه شناسی و علوم رفتاری به تأثیر محیط اجتماعی و اقتصادی بر کیفیت زندگی و بروز بیماری های روانی در افراد به ویژه اقشار آسیب پذیر (زنان و کودکان) اذعان دارند. (الیور، ۱۹۹۶) به طور کلی، کیفیت زندگی دارای ابعاد مختلف فیزیکی - روانی - اجتماعی است که پهنه وسیعی از زندگی فرد را در بر می گیرد. از نظر فلانگان^۲ (۱۹۸۲) تأثیر این ابعاد روی کیفیت زندگی و افراد متفاوت گوناگون است. (فلانگان، ۱۹۸۲).

مکتب تضاد^۳، کیفیت زندگی را حاصل ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه طبقاتی می داند. این مکتب، بر خلاف کارکردگراها که اساس جامعه را بر توافق و تعادل اجتماعی می بینند، جامعه را به عنوان عرصه تضادها و مناسبات دانسته و در تحلیل خود از مسائل اساسی از قبیل روابط حاکمیت (قدرت، استثمار و کنترل)، تقسیم کار، توزیع نامساوی امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی های اساسی بحث می کند (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۱۷). رویکرد تضاد، هر چند به وضوح به کیفیت زندگی نمی پردازد، اما کیفیت زندگی را معلول ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع طبقاتی می داند، به گونه ای که در جوامع طبقاتی گروه های متنفذ به طور آمرانه، منافع، اراده و عقاید خود را بر گروههای فرو دست تحمیل می کنند که این خود نه تنها جامعه را به دو گروه بالا دست و فرو دست تقسیم می کند، بلکه ضمن ایجاد و تشدید نابرابرهای طبقاتی، منجر به عدم شکوفایی استعدادهای نهفته آدمی خصوصاً در طبقات پائین می شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

دیدگاه کنش متقابل نمادین^۴ بر این نکته تأکید دارد که در بحث کیفیت زندگی باید به چگونگی تعامل و کنش متقابل نمادین توجه نموده و بر ماهیت فکری و تصویری هر فرد نسبت به خودش تأکید داشت، چرا که نگرش وی مانند هر فرد دیگری در مورد تصور مثبت و منفی اطرافیان در مورد شخصیت و رفتارش تأثیر به سزایی در نحوه

¹1. Baldwin

²2. Flangan

³3. conflict school

⁴4. interactionist perspective



عمل او و کیفیت زندگی او دارد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۸۷). در این میان، کولی^۱ در طرح مفهوم خود آینه ای، متأثر از خود اجتماعی ویلیام جیمز و استدلال او مبنی بر اینکه خود اجتماعی با حالتی تأمل آمیز بر حسب واکنش فرد در برابر نظر دیگران درباره خود او پدیدار می شود، بود. از نظر کولی، خود اجتماعی عبارت از هر ایده یا نظامی از ایده هاست که از زندگی ارتباطی نشات می گیرد و همانند ایده های خود در ذهن او پروراند می شود (دیلینی، ۱۳۹۲: ۲۳۷). سه اصل کلیدی نظریه خود آینه ای کولی عبارت از: تصور ظاهرمان در نظر دیگران، تصور قضاوت دیگران در باره ظاهرمان و احساس نهائی ما از خود، مثل غرور یا شرمندگی می باشد. بنابراین، تصور ذهنی افراد از خود منعکس کننده تصور آن ها از واکنش دیگران در قبال ظاهر حالت و رفتارشان است. ما باید دیگران را آینه هائی بدانیم که با نگاه به آن ها گوئی خود را می بینیم، خلاصه ما خود را چنان می بینیم که دیگران ما را آن طور می بینند. کولی در توصیف ماهیت تأمل آمیز خود آن را با آینه مقایسه کرد و نوشت « هر کس برای دیگران همچون آینه ای است که هر گاه از جلوی آن عبور کند او را باز می تاباند» (همان، ۱۳۹۲: ۲۳۷). بنابر تئوری کولی، مفهوم خود آینه سان در ارتباط با کیفیت زندگی فرد قرار می گیرد. هرچه این مفهوم در فرد از بار معنایی قوی تری برخوردار باشد، در مقابل، کیفیت زندگی فرد که به نوعی انعکاس از این مفهوم است از درجه بالاتری برخوردار خواهد بود.

میشل فوکو^۲ با دنبال کردن فرآیند پردشدگی و به حاشیه رانده شدگی گروههای مختلف (دیوانگان، مجرمان، بیماران و ...) به آشکار ساختن ساختارهای طرد و اخراج و غیریت و حبس و توقیف میپردازد. در دیدگاه فوکو، طرد پیوند نزدیکی با قدرت و گفتمان دارد. با فهم نحوه عملکرد قدرت و گفتمان ها، می توانیم روابطی را درک کنیم که ریشه بنیادی طرد اجتماعی به شمار می روند. فوکو در آثار خود، تعاریف و تعبیر مختلفی از گفتمان ارائه می دهد. به یک تعبیر، گروه فردیت پذیری از گزاره هاست که دسته بندی های خاصی را نظیر گفتمان زنانگی تشکیل می دهند. به تعبیر دیگر، مجموعه ای از قوانین و ساختارهایی است که به گفتمان شکل می دهند. با این حال، فوکو در تحلیل گفتمان، بیش از گفته ها و متن ها به چگونگی سامان یافتن و تثبیت گفتمان ها توجه دارد (میلز، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۱).

بوردیو^۳ در جامعه شناسی انتقادی خود می کوشد با افشای ساز و کارهای طرد آمیز و پنهانی سلطه، نشان دهد که چگونه ساختارها، نهادها و روابط اجتماعی، تفاوت ها و به

¹2.cooley

²1.Michel foucault

³2.Bourdieu

بیان دقیق‌تر امتیازات اجتماعی را به نفع گروه‌های فرا دست باز تولید می‌کنند و فرودستان را از دست‌یابی به موقعیت‌ها و فرصت‌های بهتر محروم می‌سازد. پی‌یر بوردیو برای شرح آراء خود از سه مفهوم محوری و مرتبط به هم، یعنی سرمایه^۱، میدان^۲ و عادت‌واره^۳ بهره‌برده است. وی با این نظر مارکس موافق است که «سرمایه، رابطه اجتماعی است»، از این رو سرمایه را منبع و شکلی از ثروت می‌داند که قدرت به بار می‌آورد، اما سرمایه را به گونه اقتصادی‌اش تقلیل نمی‌دهد، بلکه با بسط آن به اشکال دیگر سرمایه (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نمادین)، ایده فضای اجتماعی، چند بعدی خویش را می‌پرورد (واکو و انت، ۱۳۷۹: ۳۴۱). به نظر وی، فضای اجتماعی، ساختاری چند بعدی است که در آن اشکال مختلف سرمایه به نحوی نابرابر توزیع شده است. عاملان و گروه‌های اجتماعی بر حسب حجم کلی سرمایه و ترکیب خاصی از سرمایه که در اختیار دارند و همچنین تغییر این دو در طی زمان، به موضوع و جایگاهی عینی، اما نابرابر در فضای اجتماعی دست می‌یابند (بوردیو، ۱۳۸۹: ۴۸).

بوردیو در آثار مختلف خود بویژه در سیه روزی جهان (۱۹۹۹)، رنج اجتماعی اشخاص و خانواده‌هایی را بازگو می‌کند که به سبب تغییرات تحمیل شده در زندگی‌شان بویژه توسط میدان قدرت، این بار فراتر از فقر مادی به شکل «ناسازی و گسست بین عادت‌واره و میدان» آنها را گرفتار ساخته است. ازدواج و زندگی زناشویی، مهاجرت، مداخلات و سیاست‌های دولت، ابداع فن آوری و ظهور تکنولوژی‌های جدید، افول شرایط اقتصادی و دگرگونی در مشاغل، مجموعه عواملی است که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف میدانهای خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را دستخوش تغییر کرده و توانمندی‌ها و منابع افراد را برای سازگاری با شرایط جدید دچار بحران کرده و آنها را به مصایب بسیار از جمله داغ‌ننگ، فقر، انزوای اجتماعی، حاشیه‌نشینی و تنهایی، بیکاری، فروپاشی خانواده، سرخوردگی و بی‌خانمانی، احساس محرومیت و بیهودگی و..... دچار کرده است. وی نشان می‌دهد که چگونه طبقات پایین اجتماعی علیرغم بکارگیری راهبردها و تصمیماتی که برای تغییر سرنوشت خود به کار می‌گیرند از دستیابی به موقعیت‌های بهتر اقتصادی و فرهنگی در میدان محروم مانده‌اند، چرا که مختصات سرمایه (عادت‌واره) مورد نیاز برای موقعیت جدید در میدان را در اختیار ندارند (گزنفل، ۱۳۸۹: ۲۸۵ و ۲۰۹-۲۲۵).

در این بخش، مفاهیم نگرش اجتماعی به زنان سرپرست خانوار، طرد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی به عنوان متغیرهای مرتبط در کیفیت زندگی زنان

¹3.capital

²4.field

³5.habitus



سرپرست خانوار ارایه گردیده است.

نگرش اجتماعی^۱: در فرهنگ مرد سالار، زنان سرپرست خانوار اعم از مجرد، مطلقه، بیوه، حتی در صورت خود کفا بودن با مشکلات متعدد اجتماعی و فرهنگی مواجه هستند. یکی از مهمترین جنبه های این گونه از مشکلات، نگرش منفی جامعه و بی اعتمادی نسبت به این زنان در جامعه است. این عامل از جمله مشکلات جدی این زنان است که باعث مخدوش شدن روابط اجتماعی آنان با دیگران می شود. زیرا یک زن مجرد یا بیوه و مطلقه که به تنهایی و بدون حضور مرد زندگی می کند، از نگاه دیگران به چشم یک تهدید نگریسته می شود، تهدیدی که باید از او فاصله گرفت و روابط اجتماعی را با او قطع کرد و کلیه روابط چنین زنانی در جامعه مخدوش می شود (معیدفر، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

طرد اجتماعی^۲: طرد اجتماعی فرایندی است که در نتیجه آن، گروههای اجتماعی و افرادی معین از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می شوند، لذا به سختی می توانند فرصت هایی برای بهبود شرایط خویش پیدا کنند (بلیک مور، ۱۳۸۵: ۱۳۶ و ۴۳۵). طرد اجتماعی عمدتاً به مسائل رابطه ای نظیر تضعیف و متلاشی کردن پیوندهای اجتماعی، جدایی افقی، انزوا، حاشیه ای شدن، قطع پیوند و شکاف در روابط اجتماعی، عدم تعلق و گسست از شبکه ها و حمایت اجتماعی اشاره دارد (فیروز آبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۳۷). طرد اجتماعی ضمن این که حالت و وضعیت مطرودین را انعکاس می دهد، به دنبال کشف مکانیزم ها، روابط اجتماعی و نهادهایی است که به طرد منجر می شوند (همان، ۱۳۹۲: ۳۴).

غیر سازی یکی از شیوه های رایج طرد افراد و گروهها است. غیر سازی، ساز و کاری اجتماعی، زبانی و روان شناختی است که ما را از آن ها، یعنی بهنجارها را از نا بهنجارها متمایز می کند. فرایند غیر سازی با تعریف دیگر بودگی افراد و گروهها باعث به حاشیه راندن، بی قدرت ساختن و طرد آن ها می شود (وایس، ۱۹۹۵ به نقل از گادفری و تاکت، ۲۰۰۹: ۱۶۶).

سرمایه اجتماعی^۳: در دهه های اخیر برخی از صاحب نظران، ویژگی های اجتماعی از قبیل همبستگی اجتماعی، اعتماد، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و... را تحت عنوان سرمایه اجتماعی مطرح کردند. این سرمایه با فراهم آوردن حمایت های عاطفی، ابزاری، اطلاعاتی و از طریق مرتبط ساختن فرد با شبکه های اجتماعی، وی را در برابر بسیاری از آسیب های اجتماعی مصون ساخته و به مراتب موجب بهبود کیفیت زندگی

¹social attitude

²social exclusion

³social capital

و سلامت فردی و اجتماعی می‌گردد (کاوچی و دیگران، ۱۹۹۹: ۳۱۴). سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی است که همکاری دورن گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل و رسیدن به اهداف مشترک به طرز کارآمدتر، تسهیل می‌کند. این سرمایه را غالباً با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنها بیان می‌کنند (تولایی و شریفیان ثانی، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

نقش چشمگیر سرمایه اجتماعی و نحوه حضور آن در زندگی کنشگران اجتماعی، به عنوان راه حل مشکلات اجتماعی تلقی می‌شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند از سوی گروه‌های مختلف به عنوان منبعی برای دستیابی به منابع سودمند به کار گرفته شود. از آنجایی که سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در کاهش هزینه فعالیت‌ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است (شکرپیگی، ۱۳۸۹: ۹۰).

حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، همانند سپری در مقابل حوادث و رویدادهای فشارزای زندگی عمل می‌کند و شخص را در مقابل پیامدهای ناگوار مصون می‌دارد و فقدان آن می‌تواند برای شخص اضطراب آور باشد (ثامتی، ۱۳۷۵: ۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد که ارائه حمایت‌های اجتماعی به زنان و افزایش اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی در بین این گروه از افراد جامعه، بهبود کیفیت را به همراه دارد (پناغی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۰).

پیشینه تحقیق

ربانی خوراسگانی و کیانپور (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی: مطالعه موردی شهر اصفهان، با استفاده از روش پیمایش در شهر اصفهان روی حجم نمونه‌ای بالغ بر ۵۴۰ نفر از شهروندان ۱۵ سال به بالا و ساکن در مناطق یازده گانه شهر اصفهان، به اجرا درآمد که کیفیت زندگی شهروندان اصفهانی را روی یک طیف ۵ درجه‌ای، ۳/۸۷، یعنی در حد بالایی ارزیابی نموده‌اند. هم‌چنین، در این بررسی، ارتباط بین کیفیت زندگی با سن و جنس پاسخ‌گویان رابطه معناداری را نشان نداد اما بین کیفیت زندگی و وضعیت تأهل آن‌ها ارتباط معناداری وجود داشته است. خادمیان در سال ۱۳۹۰ پژوهشی را تحت عنوان اثر سرمایه اجتماعی بر گرایش به جرم در زنان بیوه انجام داد که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که نبود گروه‌های مدنی و دینی و پیوندهای خانوادگی و شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی منجر به بالا رفتن جرائم در این زنان می‌شود.

معید فر و حمیدی (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسیدند آن‌چه موجب می‌شود سرپرستی این زنان به



عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان بیوه به وجود آمده و باعث می شود تا زنان بیوه به عنوان قشری آسیب پذیر شناخته شوند.

قلی پور و رحیمیان (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان بیوه به این نتیجه رسیدند که زنان بی سرپرست به دلیل داشتن نقش های متعدد، فرصت آموزش را نداشته و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند. از این رو، آموزش نقش مثبتی بر خانواده آنها دارد. همچنین اغلب، بزرگ ترین مشکل زنان بیوه مشکل اقتصادی است و از این رو هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود.

در تحقیق دیگر بلداجی، فروزان و رفیعی (۱۳۸۹) کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی را بررسی کردند و برای این منظور ۱۲۰ زن سرپرست خانوار در ۲ گروه شاغل خدماتی و تحت پوشش سازمان بهزیستی در شهر تهران با توجه به معیارهای پژوهش به صورت نمونه انتخاب شده اند یافته های تحقیق نشان داد که هداز نظر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار شاغل نسبت به زنان سرپرست تحت پوشش وضعیت بهتری داشته اند.

فیروزآبادی و صادقی (۱۳۹۲)، در تحقیقی به مطالعه وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی برحسب متغیرها و مؤلفه های طرد اجتماعی پرداخته اند نتایج مقایسه ی وضعیت طرد اجتماعی در میان دو گروه زنان بومی و مهاجر حاکی از آن است که زنان فقیر از نظر حمایتی از شبکه ی درون گروهی قوی تری برخوردارند و هم چنین زنان شاغل نسبت به زنان غیر شاغل از شبکه ی حمایتی بین گروهی قوی تر و ناهمگون تری برخوردارند.

لیتر و همکاران (۲۰۰۲)، با اندازه گیری شاخص هایی مانند وضعیت تأمین مواد غذایی، امکانات آموزشی و... در آمریکا نشان دادند قوانین جدید موجب فقیر تر شدن فرزندان خانواده های تک والدی شده است که زنان (مادران) سرپرستی آنان را به عهده دارند. لذا با طرح های پیشنهادی در این زمینه خواستار بازنگری قانون و کمک بیشتر به این خانواده ها شد. علاوه بر آن لیروی، در سال ۲۰۰۴ با بررسی مشکلات مادران خانواده های تک والدی چنین نتیجه می گیرد که مادران و فرزندان خردسال آنان بیش از سایر اقشار، مستعد فرورفتن در دام فقر هستند. بنابراین، بیش از سایر اقشار نیاز دارند تا تحت حمایت های بیمه ای و خدمات تأمین اجتماعی باقی بمانند. به نظر محقق، بیرون ماندن چنین خانواده هایی از چتر حمایتی، مانند خریدن بلیط قطار سریع

السیر برای سفر به اعماق فقر و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر به لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ۸۴۹ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر پیرانشهر می‌باشد که از این تعداد ۲۶۵ نفر به عنوان حجم نمونه از طریق جدول مورگان و به شیوه نمونه‌گیری هدفمند جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم انتخاب شدند. همچنین، ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که در سطح سنجش رتبه ای و در قالب طیف لیکرت تنظیم شده است. جهت برآورد اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری (یعنی نظر متخصصین و اهل فن) استفاده شده است. برای تعیین پایایی آن نیز، روش آلفای کرونباخ به کار گرفته شده که ضرایب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرهای این پرسشنامه بالاتر از ۰/۷۰ بوده و قابل قبول می‌باشد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

پایگاه اجتماعی: به موقعیت و جایگاه فرد در سلسله مراتب اجتماعی اطلاق می‌شود. شیوه تحصیل پایگاه اجتماعی از خصوصیات بنیادی نظام‌های قشربندی اجتماعی است. از این دیدگاه، جامعه‌شناسان دو نوع پایگاه اجتماعی شامل پایگاه انتسابی و پایگاه اکتسابی را مطرح نموده‌اند. در حالت اول، پایگاه به شخص واگذار شده و یا به ارث به اومی رسد. پایگاه اکتسابی بر عکس، در نتیجه کوشش‌های شخص به دست می‌آید (تامین، ۱۳۷۹: ۸۱).

تعریف عملیاتی: برای سنجش این مفهوم از چهار گویه به شرح زیر استفاده شده است: میتوانم خرجی زندگی را تأمین کنم، معمولاً از درآمد خودم پس انداز هم می‌کنم، نسبت به اکثر جامعه وضعیت مالی بهتری دارم، جامعه به موقعیت اجتماعی من احترام می‌گذارد.

نگرش اجتماعی: تعدد و تنوع واژه نگرش، ایستار، طرز رفتار، طرز تلقی، پنداشت، طرز تفکر بر اساس مفروضات پیشین و مانند اینها برآیند فقدان معادلی مناسب برای اصطلاح نگرش و نیز پیچیدگی و تعدد جوانب موضوعی است که این واژه از آن حکایت می‌کند (کاردان به نقل از برگ، ۱۳۶۸).

تعریف عملیاتی: برای سنجش این مفهوم از پنج گویه به شرح زیر استفاده شده است: نگاه مردم نسبت به من مثبت است، مردم به دیده تحقیر به من نگاه می‌کنند، مزاحمان تلفنی زیادی دارم، از زخم زبان مردم گله دارم، از طرز نگاه مردم به ستوه آمده‌ام.

طرد اجتماعی: طرد، بیشتر با احساس عدم تعلق فرد به اجتماعات هویت بخش و نه لزوماً محلی ارتباط دارد. طردهمچنین ممکن است حاصل مرزبندی اجتماعی و شکل



گیری پیوندهای همگون در اجتماعات شدیداً بسته باشد و یا طبق رویکرد اجتماع‌گرایانی چون پاتنام، بازتابی از تضعیف ارزشها و هنجارهای اخلاقی تلقی گردد. (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

تعریف عملیاتی: جهت سنجش این متغیر از گویه‌های، دوستانی دارم که هنگام نیاز با آنها تماس می‌گیرم، بعد از خروج شوهرم از زندگی مردم کمتر با ما رفت و آمد می‌کنند، اکثراً تنها هستم، کمتر از گذشته در جمع حاضر میشوم، از حضور در جامعه میترسم، کمتر از گذشته به مهمانی دعوت می‌شوم، فرزندانم نسبت به گذشته دوستان کمتری دارند، استفاده شده است.

سرمایه اجتماعی: این اصطلاح عمدتاً به مشارکت کامل در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی به مثابه یک هدف فی‌الذات توجه دارد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

تعریف عملیاتی: برای سنجش این متغیر مستقل از گویه‌های زیر استفاده شده است: به هیچ کس نمی‌شود اعتماد کرد؛ جامعه مرا چون گذشته قبول نمی‌کند؛ در جامعه حضوری فعال دارم، نگران آینده فرزندانم هستم.

تعریف عملیاتی: حمایت اجتماعی: لینزی (۱۹۸۸) حمایت اجتماعی را قابلیت و کیفیت ارتباط با دیگرانی که منابع را در هنگام نیاز فراهم می‌کنند، تعریف کرده است. (ازفتحی، ۱۳۷۶: ۲۵). برای سنجش این متغیر مستقل از گویه‌های زیر استفاده شده است: مردم به ما کمک مالی می‌کنند؛ مردم حاضرند به درد دل‌های ما گوش فرا دهند؛ احساس بی‌کسی می‌کنم، احساس کمبود محبت می‌کنم.

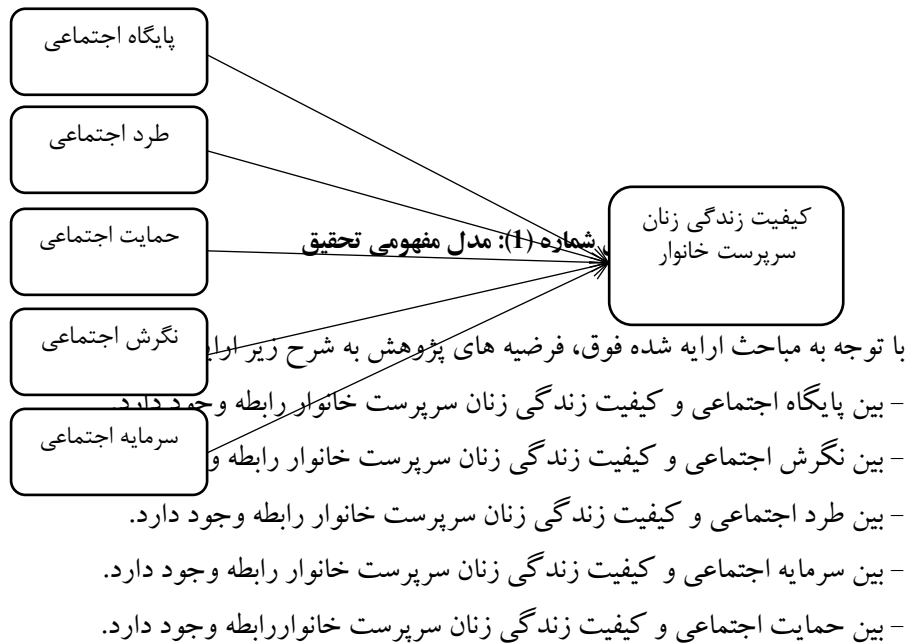
کیفیت زندگی: به تعبیر بالدوین (۱۹۹۴) سازه کیفیت زندگی از یک سو کیفیت زندگی فردی به عنوان پنداشتی از چگونگی گذران زندگی فرد مطرح می‌شود و از بعدی کلیتر، کیفیت موقعیتهای زندگی حول یک عامل را شامل می‌شود؛ موقعیتهایی نظیر محیط پیرامونی و یا فرهنگ در یک جامعه معین (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۳).

تعریف عملیاتی: برای سنجش این متغیر از گویه‌های زندگی مطلوب و دلخواهی دارم؛ در زندگیم حداکثر لذت را می‌برم و کمترین رنج را متحمل می‌شوم؛ در زندگی احساس عدالت می‌کنم؛ روی شرایط و موقعیت زندگی تسلط دارم؛ زندگیم سرشار از خوشحالی و شادابی است؛ از سکونت در منزل شخصی احساس رضایت دارم؛ به آینده امیدوارم و مرگ را بر این زندگی ترجیح می‌دهم. استفاده شده است.

مدل مفهومی

براساس تئوری‌های نظری مطرح شده و پیشینه‌های تجربی، مدل مفهومی پژوهش

حاضر به شکل زیر قابل تدوین می‌باشد:



یافته‌های مطالعه

یافته‌های توصیفی تحقیق

بر اساس یافته‌های تحقیق، بیشتر پاسخگویان دارای مدرک راهنمایی (۳۲ درصد) و دیپلم (۲۸ درصد) بوده‌اند، ۷۸ درصد از زنان مورد مطالعه خانه دار و ۲۲ درصد شغل آزاد داشته‌اند؛ میانگین به دست آمده برای متغیر سن برابر با ۳۹/۹۸ می‌باشد، در این میان بالاترین سن ۶۰ و کمترین آن ۲۳ سال می‌باشد، میانگین به دست آمده برای متغیر تعداد اعضای خانواده نیز، ۳/۳۴ می‌باشد و بیشترین تعداد اعضا ۶ نفر و کمترین آن ۲ نفر می‌باشد.

همچنین، نتایج نشان داد که میانگین متغیر کیفیت زندگی با حداکثر ۴ و حداقل ۱ برابر با ۳/۰۴ می‌باشد. براساس یافته‌های تحقیق، میانگین و انحراف معیار حاصل برای متغیر نگرش اجتماعی به ترتیب برابر با ۲/۵۸ و ۰/۷۰۲ می‌باشد. میانگین حاصل برای متغیر پایگاه اجتماعی ۲/۹۶، میانگین به دست آمده برای متغیر طرد اجتماعی نیز برابر با ۱/۸۲، میانگین سرمایه اجتماعی با حداکثر ۴ و حداقل ۱، ۲/۹۰ برآورد گردید،



همچنین، میانگین و انحراف معیار حاصل برای متغیر حمایت اجتماعی به ترتیب، برابر با ۲/۷۸ و ۰/۶۷۸ می باشد.

یافته های استنباطی پژوهش

نتایج حاصل از آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق (کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار) در جدول شماره ۱، نشان داده شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار

متغیر	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	نوع رابطه
پایگاه اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۶۸۸	مستقیم
نگرش اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۶۸۶	مستقیم
طرد اجتماعی	۰/۰۰۰	-۰/۶۲۵	معکوس
سرمایه اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۶۷۶	مستقیم
حمایت اجتماعی	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶۶	مستقیم

شدت همبستگی به دست آمده بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون برابر با ۰/۴۶۶ است. با توجه به سطح معناداری حاصل (۰/۰۰۰)، دو متغیر پایگاه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با اطمینان ۹۹ درصد دارای رابطه معنادار می باشد. همچنین شدت همبستگی حاصل بین دو متغیر نگرش اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار برابر با ۰/۶۷۶ می باشد و با براساس سطح معناداری به دست آمده، همبستگی بین متغیر پایگاه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با سطح اطمینان ۹۹ درصد از نظر آماری معنادار می باشد.

همبستگی حاصل بین دو متغیر طرد اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار برابر با ۰/۶۲۵- است. لذا دو متغیر طرد اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با توجه به سطح معناداری حاصل، با اطمینان ۹۹ درصد دارای رابطه معنادار می باشند.

نتایج حاکی از آن است که رابطه خطی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد. بنابراین هر اندازه زنان سرپرست خانوار از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشند کیفیت زندگیشان بهتر خواهد بود.

در نهایت همبستگی حاصل بین دو متغیر حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۶۸۸ بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار دو متغیر در سطح اطمینان ۰/۹۹ می باشد. در نتیجه هر اندازه زنان سرپرست خانوار از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار باشند کیفیت زندگی بهتری خواهند داشت.

در پژوهش حاضر، جهت برآورد تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تجزیه و تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. براساس جدول آنالیز واریانس یکطرفه، رابطه متغیرهای مستقل و وابسته با توجه به سطح معنی داری به دست آمده معنی دار می باشد. استقلال خطاها از همدیگر نیز بر اساس میزان دوربین واتسون بدست آمده (بین ۱/۵ و ۲/۵) حاصل آمده است؛ و نهایتاً؛ پیش فرض عدم هم خطی متغیرهای مستقل نیز با توجه به مقادیر شاخص تولرانس^۱ (نزدیک به عدد یک) و شاخص تورم واریانس^۲ (کوچک تر از عدد ۲/۵) محقق شده است.

همچنین، براساس نتایج حاصل از مدل رگرسیونی، متغیرهای حاضر در مدل شامل طرد اجتماعی، پایگاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نگرش اجتماعی و حمایت اجتماعی تاثیرشان بر متغیر وابسته کیفیت زندگی از نظر آماری معنادار بوده و به ترتیب بیشترین تاثیر را بر متغیر مذکور داشته‌اند. با توجه به ضرایب رگرسیونی به دست آمده، متغیر طرد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر متغیر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار داشته است. در مجموع متغیرهای حاضر در مدل رگرسیونی توانسته‌اند ۴۶/۵ درصد از تغییرات متغیر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار را تبیین نمایند (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴): نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار

نام متغیر	ضریب	آماره t	P-Value	بررسی هم خطی
-----------	------	---------	---------	--------------

-Tolerance¹

-Variance Inflation Factor²



شاخص تورم واریانس	تولرانس			بتا		
۱/۲۲	/۹۵۲	۰/۰۰۰	-۳/۷۰۲	-۳۷۹	طرد اجتماعی	
۱/۱۹	/۸۷۳	۰/۰۰۰	۳/۵۱۱	۰/۳۴۵	پایگاه اجتماعی	
۱/۳۰	/۸۹۵	۰/۰۰۰	۳/۳۲۹	۰/۳۲۱	سرمایه اجتماعی	
۱/۳۱	/۹۷۲	۰/۰۰۰	۳/۱۱۲	۰/۳۱۶	نگرش اجتماعی	
۱/۲۵	/۸۸۴	۰/۰۱۰	۲/۹۶۲	۰/۲۲۱	حمایت اجتماعی	
ضرب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده		آماره دوربین-واتسون		P-Value	آماره F	کل مدل رگرسیون
R Square= ۴۷۶ Adjusted R Square= ۴۶۵		۱/۶۹		۰/۰۰۰	۳۱/۵۴۹	

نتیجه گیری

زنان بی سرپرست به عنوان قشر مهم و آسیب پذیر در جامعه، فشارهای زیادی را تحمل می کنند. این فشارها بر کارکرد اجتماعی و اقتصادی آنها نیز تأثیر گذاشته و در نتیجه آنان را با افت کیفیت زندگی و رضایت از آن مواجه میسازد. از طرفی، مشکلات بی سرپرستی زنان باعث ایجاد انواع اختلالات روانی و رفتاری و سرانجام ناتوانی آنها در اداره زندگی می شود. زنان سرپرست خانوار، جمعیتی را شامل می شوند که درگیر انواع مشکلات روحی، روانی، عاطفی، اقتصادی و اجتماعی می باشند و حضور آنان در حاشیه متن جامعه می تواند برای خود جامعه حامل و ناقل مشکلات

و نابسامانیهای فراوانی باشد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر پیرانشهر صورت گرفته است.

نتایج تحقیق نشان داد که بین پایگاه اجتماعی زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی آنان رابطه وجود داشته است. این امر با رویکرد تضاد‌گرایان نسبت به کیفیت زندگی قرابت دارد. رویکرد تضاد، هر چند به وضوح به کیفیت زندگی نمی‌پردازد، اما کیفیت زندگی را معلول ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع طبقاتی می‌داند. در این ارتباط جرج ولد متأثر از افکار زیمل کیفیت زندگی را در وضعیت‌هایی که نابرابری سیاسی - اجتماعی حاکم است، تبیین نموده است. معنادار بودن این فرضیه در راستای تحقیق بلداجی، فروزان و رفیعی (۱۳۸۹) در مورد کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی می‌باشد.

همچنین معنادار بودن رابطه بین نگرش اجتماعی نسبت به زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی این زنان در این تحقیق با رویکرد کنش متقابل نمادین همخوانی دارد. کولی استدلال می‌کند که خود یک شخص از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌یابد و خاستگاه اجتماعی زندگی یک شخص از رهگذر نشست و برخاست او با اشخاص دیگر پدید می‌آید. به نظر کولی، خود در ابتدای امر، فردی و سپس اجتماعی نمی‌شود، بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می‌گیرد. آگاهی یک شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران درباره خودش است. پس به هیچ روی نمی‌توان از خودهای جداگانه سخن به میان آورد. بنابراین، نگرش و برداشت جامعه نسبت به فرد در ذهنیت فرد و کیفیت زندگی او تأثیرگذار است. بر اساس دیدگاه مید، سیطره من مفعولی بر من فاعلی منجر به پذیرش مجموعه سازمان یافته از نگرش‌های دیگرانی می‌شود که یک فرد گمان می‌کند درباره او وجود دارد.

علاوه بر آن وجود همبستگی بین دو متغیر طرد اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار با اطمینان ۹۹ درصد در این تحقیق تایید گردیده است. این امر با رویکرد نظری پساساختارگرایانی چون فوکو و دریدا و تلفیق گرایانی چون بوردیو قرابت دارد. فوکو با دنبال کردن فرآیند طردشدگی و به حاشیه راندهشدگی گروه‌های مختلف (دیوانگان، مجرمان، بیماران و ...) به آشکار ساختن ساختارهای طرد و اخراج و غیریت و حبس و توقیف می‌پردازد. طرد زنان بی سرپرست از متن اجتماعی و پرتاب آنان به حاشیه اجتماعی توسط کارگزاران متن اجتماعی باعث ایجاد فضای تیره‌ای می‌شود که اجتناب ناپذیر است. دریدا با کشف نظم سلسله



مراتبی، تقابل های دوتایی گفتار و نوشتار؛ طبیعت و فرهنگ؛ حضور و غیبت؛ معنا و فرمها را بیان نموده است. این امر ما را در فهم تقابل زن دارای سرپرست و زن بی سرپرست کمک می کند. در واقع این منطق تقابل ها و حضور گفتمان های غالب است که زنان بی سرپرست را از متن اجتماعی خارج می کند.

از سوی دیگر، تأیید رابطه خطی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار در سطح اطمینان ۹۹ درصد در این تحقیق، مؤید دیدگاه بوردیو در مورد سرمایه است که آن را منبع و شکلی از ثروت می داند که قدرت به بار می آورد. وی سرمایه را به گونه اقتصادی اش تقلیل نمی دهد، بلکه با بسط آن به اشکال دیگر سرمایه (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و نمادین)، ایده فضای اجتماعی چند بعدی خویش را می پرورد (واکو وانت، ۱۳۷۹: ۳۴۱). سرمایه اجتماعی با فراهم آوردن حمایت های عاطفی، ابزاری، اطلاعاتی و از طریق مرتبط ساختن فرد با شبکه های اجتماعی، وی را در برابر بسیاری از آسیب های اجتماعی مصون ساخته و بدین ترتیب موجب بهبود کیفیت زندگی و سلامت فردی و اجتماعی می گردد. طبیعی است که سرمایه اجتماعی محدود زنان سرپرست خانوار در کیفیت زندگی آنان تأثیر گذار باشد. در این ارتباط، نتایج تحقیق خادامیان (۱۳۹۰) تحت عنوان اثر سرمایه اجتماعی بر گرایش به جرم در زنان بیوه مبنی بر نقش عدم وجود گروه های مدنی و دینی و پیوندهای خانوادگی و شبکه های اجتماعی غیر رسمی در بالا رفتن جرائم این زنان رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی را به طرز غیرمستقیم تأیید می نماید. در مجموع، معنادار بودن همبستگی بین دو متغیر حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تأیید کننده این موضوع است که حمایت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی تا چه اندازه می تواند نقش تعیین کننده داشته باشد.

در پایان می توان گفت در طرح مسایل اجتماعی کسانی می توانند مسایل شان را به عنوان مسأله مطرح کنند که از قدرت تأثیر گذاری برخوردار باشند. زنان بی سرپرست به دلیل جریان طرد شدگی، قدرت چانه زنی برای طرح و حل مسایل خود را ندارند و این وظیفه متخصصان حوزه علوم انسانی و اجتماعی است که از زوایا و ابعاد مختلفی به طرح مسایل آنان بپردازند. در مجموع پیشنهادات زیر را به عنوان گامی هرچند کوچک در راستای بهبود کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار می توان طرح نمود:

ارائه برنامه های مدون توسط نهادهای دولتی و حکومتی برای اشتغال و استقلال اقتصادی زنان سرپرست خانوار، می تواند در افزایش رضایت و بهبود کیفیت زندگی آنان نقش برجسته ای داشته باشد؛ همچنین اجرای طرح های کارآفرین و حمایت از زنان کارآفرین سرپرست خانوار یکی از راهکارهای عملی برای کاهش استرس ها و

دردهای این قشر نجیب و کم توقع جامعه است. به‌طور کلی، زنانی که همزمان نقش‌های دوگانه پدر و مادر را در خانواده ایفا می‌کنند لیاقت آن را دارند که با "تبعیض مثبت" توسط نهادهای دولتی و حکومتی بخشی از مسائل و مشکلات آنان به حاشیه رانده شود؛ برای مثال استخدام، اعطای تسهیلات مالی، ... زنان سرپرست خانوار نسبت به سایر زنان در اولویت قرار بگیرد.



منابع

- بختیار، آمنه و محبی سیده فاطمه (۱۳۸۲)، حکومت و زنان سرپرست خانوار، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان؛ شماره ۳۴.
- شکرپیگی، عالیہ (۱۳۸۹)، مدرن گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده، درآمدی بر جامعه شناسی خانواده در ایران. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- بلداجی، ام لیلا، فروزان، آمنه، رفیعی، حسن (۱۳۸۹)، کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰
- بلیک مور، کن (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر سیاست گذاری اجتماعی، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
- پناغی، لیلی و دیگران (۱۳۸۷)، بررسی سلامت روان زنان قربانی همسرآزاری در شهر تهران. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۷۹-۶۹.
- تامین، ملوین (۱۳۷۹)، جامعه شناسی قشر بندی و نابرابری های اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، نشر توتیا
- تولایی، نوین و شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۴)، نقش سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی برای رفاه اجتماعات محلی. مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ثامتی، ناهید (۱۳۷۵)، ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای حمایت اجتماعی و بررسی رابطه آن و فشارزای دانشجویی با عملکرد تحصیلی، ویژگی های شخصیتی تیپ A، افسردگی و اضطراب در دانشجویان دانشگاه شهید چمران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- دغاقله، عقیل، کلهر، سمیرا (۱۳۸۹)، آسیب های شهری در تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- دیلینی، تیم (۱۳۹۲)، نظریه های کلاسیک جامعه شناسی، ترجمه: بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، نشر نی، تهران
- ربانی خوراسگانی، علی؛ کیان پور، مسعود (۱۳۸۶) مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر اصفهان) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ویژه نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵
- رضوانی، محمد رضا؛ منصوریان، حسین (۱۳۸۷)، سنجش کیفیت زندگی؛ بررسی

- مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستائی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳ پائیز ۱۳۸۷
- شادی طلب، ژاله، گرائی نژاد، علی رضا (۱۳۸۳)، فقر زنان سرپرست خانوار، پژوهش زنان، بهار
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۹۰)، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی. انتشارات شیرازه.
- فتحی، بهروز (۱۳۷۶)، ساخت و اعتباریابی مقیاس حمایت اجتماعی برای سنجش حمایت اجتماعی و بررسی نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی و تیپ شخصیتی تیپ A در رابطه بین عوامل فشارزای دانشجویی با عملکرد تحصیلی، افسردگی و اضطراب در دانشجویان پسر دانشگاه شهید چمران اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فروزان، آمنه، بیگلریان، اکبر (۱۳۸۲)، زنان سرپرست خانوار؛ فرصت‌ها و چالش‌ها؛ پژوهش زنان، بهار
- فیروزآبادی، احمد، صادقی، علیرضا (۱۳۹۲) طرد اجتماعی رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت، انتشارات جامعه‌شناسان.
- قاسم‌زاده، علی (۱۳۸۴)، تأثیر مشاوره شغلی به شیوه نظریه سازگاری شغلی دیویس بر کیفیت زندگی کاری کارکنان شهرداری اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه اصفهان.
- قلی‌پور، آرین؛ رحیمیان؛ اشرف (۱۳۹۰) رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۴۰
- گزنفل، مایکل (۱۳۸۹)، مفاهیم کلیدی بورديو، ترجمه محمد مهدی لیبی، نشر افکار.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم، انتشارات آن، تهران
- مختاری، مرضیه و نظری جواد (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹) مسائل اجتماعی ایران: نشر علم،
- معیدفر، سعید؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷) زنان سرپرست خانوار و آسیب‌های اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۲
- میلز، سارا (۱۳۸۹)، میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، نشر مرکز.
- واکو و انت، لوییک (۱۳۸۳)، پی‌یر بورديو، ترجمه مهرداد میردامادی، در کتاب متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ویراستار راب استونز، نشر مرکز.



- -Baldwin, S., Godfery, C. (1994). *Quality of life: perspectives and politics*. New York. Routledge.
- -Flangan, J, C. (1982). Measurement of quality of life: Current state of the art, *Archives of Physical Medicine and Rehabilitation*.
- -Godfery, S, B, Takt, A. (2009). *Othering, marginalization and to exclusion in health, in: theorizing social exclusion*, (ed)E, Routledge.
- -Kawachi, I. (1999). Social Capital for health and human development. *American Journal of Public health*.44,310-321.
- -Oliver, j., Bridges., K., Mohammad, H. (1997) *Quality of life and mental health services*. New York. Routledge.